



بیان مشکلات، صادرکننده را متهم نمی کند

بیان مشکلات توسط صادرکنندگان، نشان دهنده اینکه نمی خواهند ارز را به کشور بازگردانند، نیست. به گزارش اتاق ایران، احمدرضا فرشچیان، رئیس کمیسیون واردات اتاق ایران، تأکید کرد: بیان مشکلات به معنای این نیست که نمی خواهند ارز را به کشور برگردانند. چون بدون بازگشت ارز، امکان فعالیت برای تاجر باقی نمی ماند. در غیر این صورت چالش‌ها برطرف نشده است. او از اینکه به نقطه نظرات بخش خصوصی توجهی نمی شود، انتقاد و تصریح کرد: بخش نامه‌ای از سوی بانک مرکزی در سال ۱۴۰۲ صادر شد با این محتوا که واردکنندگانی که از اول دی تا ۲۹ اسفند ۱۴۰۱ ارز دریافت کرده‌اند، باید مابه‌التفاوت آن را بپردازند. برای اجرای این بخش نامه ۶۰ روز در نظر گرفته شده که بخش قابل توجه آن روزهای تعطیل رسمی بوده است. از طرفی دو تفسیر وجود دارد. یکی آن را تنها مربوط به واردات کالاهای اساسی می‌داند و تفسیر دیگر آن را برای کل محصولات در نظر می‌گیرد. فعالان اقتصادی را به تعزیرات می‌برند.



مجلس توجه نکرد

در ۱۰ سال گذشته، با وجود اینکه شعارها درباره تولید بود، اما توجهی به تولید نشد. به گزارش اتاق ایران آنلاین، محمد لاهوتی، رئیس کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی اتاق ایران، گفت: موضوع اضافه شدن تعطیلات از یک روز به دو روز مدت‌هاست که در مجلس شورای اسلامی مطرح می‌شود. قرار است یک روز به تعطیلات آخر هفته اضافه شود. از زمانی که این موضوع مطرح شده، فعالان اقتصادی و اقتصاددان‌ها، فعالان کسب و کار و فعالان اجتماعی اظهار نظرهای متعددی کرده‌اند. لاهوتی افزود: برای سالم‌اندی موضوع تعطیلات پیشنهادها براساس روز جمعه و شنبه بود تا در آن فرصت بیشتر برای ارتباطات جهانی در حوزه مختلف فراهم شود. از این جهت پیشنهادهای متعددی به مجلس و دولت ارائه شده است. به گفته لاهوتی، واقعیت این است که در ۱۰ سال گذشته، شعار سال، اقتصادی و حمایت از تولید تعیین شده بود و برای همین نباید موانعی برای تجارت کشور ایجاد شود.



با استار تاپ‌ها قهر آمیز بر خور دشود

همان‌طور که دولت در بقیه حوزه‌ها نشان داده که دخالتش، در درس‌ساز است، در استار تاپ‌ها هم دخالت نکند. به گزارش اتاق تهران، مازیسار نوربخش، رئیس کمیسیون تحول، نوآوری و بهره‌وری اتاق تهران، گفت: برخورد قهر آمیز با کسب و کارهای این حوزه که به دفعات از جمله با حکم قضایی و بازداشت مدیران این بنگاه‌ها شاهد آن بوده‌ایم، منجر به ناامیدی و بی‌تکلیفی فعالان اقتصادی حوزه فناوری و دیجیتال شده و مهاجرت کارآفرینان و متخصصان این بخش از اقتصاد نوپا در ایران را رقم زده‌است. او با بیان اینکه دولت‌ها، چه در ایران و دیگر کشورها، در بنگاه‌داری ناکارآمدی خود را نشان داده‌اند، افزود: همان‌طور که تجربه چهار دهه اخیر در کشور نشان داده است که کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی که در مدیریت و مالکیت دولت قرار گرفته‌اند، چرخه اقتصاد کشور حرف شده‌اند، نمایندگان مجلس، با اعمال نظرات کافی، مانع در اختیارگیری استار تاپ‌ها و کسب و کارهای دیجیتال از سوی دولت و نهادهای حاکمیتی شوند.



صنایع در مضیقه مصاد اولیه

«هم میهن» به بررسی کاهش مواد اولیه و افزایش قیمت این نهاده‌ها برای صنایع پرداخت

گروه اقتصاد: واحدهای تولیدی در اسفندماه سال گذشته، در تکاپوی مواد اولیه بودند؛ تازه‌ترین گزارش شاخص مدیران خرید، نشان می‌دهد که اسفندماه سال گذشته برخلاف همیشه، بنگاه‌های اقتصادی در بخش مواد اولیه ضعف داشتند زیرا هزینه تامین مواد اولیه برای رشته صنایع تولیدی افزایش یافته بود. بررسی شاخص مدیران خرید در اسفندماه نشان می‌دهد که موجودی مواد اولیه شش صنعت از ۱۲ رشته فعالیت‌های صنعتی، ثابت یا در حال کاهش بوده است. از طرفی، با کاهش موجودی مواد اولیه، بنگاه‌ها به دنبال خرید می‌روند اما در آن صورت هم به در بسته می‌خورند زیرا براساس همین گزارش، قیمت خرید مواد اولیه در ۱۱ رشته فعالیت صنعتی از ۱۲ رشته فعالیت، افزایش داشته است.

شاخص موجودی مواد اولیه خریداری شده عدد ۵۲/۰۲/۰۳ واحد ارزیابی شده که برای دومین بار طی ۹ ماه، بالاتر از ۵۰ واحد قرار گرفته است. در واقع، تولیدکنندگان در تامین مواد اولیه مورد نیاز خود با مشکل روبه‌رو هستند و همان‌طور که قابل پیش‌بینی است، موجودی در نیمی از فعالیت‌ها کمتر یا در محدوده خنثی ۵۰ واحد قرار گرفته است. در شاخص مدیران خرید کشور، اعداد صفر و ۱۰۰ به ترتیب به معنای آن است که ۱۰۰ درصد پاسخگویان گزینه «بدتر شده است» یا «بهتر شده است» را انتخاب کرده‌اند. عدد ۵۰ نشان دهنده عدم تغییر وضعیت نسبت به ماه قبل، عدد بالای ۵۰ نشانه بهبود وضعیت نسبت به ماه قبل و عدد زیر ۵۰ به معنای بدتر شدن وضعیت نسبت به ماه قبل است.

همه این داده‌ها نشان می‌دهد به دلیل عدم توزیع مناسب و حساب‌شده مواد اولیه خام، مشکلات در این حوزه پابرجاست و نیاز کارخانه‌ها به قوت خود باقی است. به هر حال آنچه که پروضح است آنکه تأمین مواد اولیه برای صنایع، چالش بزرگ بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی است که چرخ‌های اقتصاد کشور، بدون آن‌ها، متوقف می‌شود. معضلی که شدت آن در عصر تحریم بیشتر و تأثیر نبود آن در استثنای‌های صنعتی محسوس‌تر خود را نشان می‌دهد. حال آنکه گفته می‌شود تولیدکنندگان صنایع پایین‌دستی و همچنین مصرف‌کنندگان نهایی، قربانی ناکارآمدی تصمیمات و راهکارهای تنظیم بازار دولت می‌شوند؛ یعنی تولیدکنندگان نه تنها با معضل کمبود مواد اولیه مواجه هستند بلکه حتی نمی‌توانند جایگزینی برای آنچه که برای تولید به کار می‌برند نیز پیدا کنند. زیرا به دلیل وجود تورم تولیدکننده و همچنین سرکوب قیمت کالاهای نهایی آن هم در شرایطی که شاخص قیمت خرید مواد اولیه در گزارش شاخص به‌طور محسوسی بالا رفته است، قادر به خرید دوباره مواد اولیه هم نیستند. روندی که تکرار آن، موجب اختلال در حرکت صنایع کشور به سمت توسعه و تولید خواهد بود.

مشکلات فعالان اقتصادی در اسفندماه چه بود؟

فعالان اقتصادی در این گزارش یادآوری کرده‌اند که به‌رغم انجام تعهد ارزی از سوی تولیدکنندگان، سهمیه‌های ارزی به آنها داده نمی‌شود یا کمتر از مقدار تعهد ارزی است. در نتیجه تأمین مواد اولیه و امکان تولید کاهش خواهد یافت. همچنین افزایش نرخ ارز از یک‌سوی عدم تخصیص ارز به شرکت‌ها از سوی دیگر، در صورت ادامه روند مذکور، تعدادی از کسب و کارها عملاً توان تولید خود را از دست خواهند داد. شرایطی بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی، افزایش نرخ ارز و قیمت‌ها و عدم دسترسی به منابع مورد نیاز، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نسبت به آینده را برای شرکت‌ها بسیار دشوار کرده و در نتیجه سردرگمی و ناتوانی شرکت‌ها برای پیش‌بینی شرایط بازار در ماه‌های آینده را به همراه داشته است. در برخی از فعالیت‌ها، برخی کارگاه‌ها در شرایط قانونی کار نمی‌کنند و از نظر هزینه‌ها در شرایط یکسان با شرکت‌هایی نیستند که قانونی به فعالیت می‌پردازند؛ از جمله پرداخت مالیات ارزش افزوده. در چنین شرایطی، عرضه با قیمت پایین‌تر، رقابت غیرعادلانه را برای شرکت‌های قانونی به وجود می‌آورد. بررسی مشکلات اصلی از دید برخی از فعالان اقتصادی نشان می‌دهد که به دلیل بالا رفتن نرخ ارز، تأمین مواد اولیه برای تولیدکنندگان بسیار دشوار شده است و در نتیجه با توجه به تقاضای ضعیف مشتریان امکان کار و ادامه تولید برای برخی وجود ندارد. از سوی دیگر نگرانی شرکت‌ها از افزایش مالیات‌ها و بالا رفتن

هزینه‌های تولید، برخی از شرکت‌ها را ناچار به تعدیل نیروی انسانی کرده است و از طرفی نیروی کار هم به دلیل عدم تناسب دستمزدها و هزینه‌های مالی به ماندن ندارد.

همچنین در این ماه افزایش نرخ ارز بر بالا رفتن قیمت مواد اولیه تأثیرگذار بوده است و در بسیاری از موارد به دلیل افزایش نرخ ارز، خرید فروش مواد اولیه انجام نمی‌شود. همچنین با توجه به افزایش نرخ ارز، برخی از فعالان اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند که شرایط در ماه‌های بعد به‌سخت‌تر بدتر و عمیق‌تر شدن رکود می‌رود. با توجه به کمبود نقدینگی در بازار، بسیاری از تولیدکنندگان درخواست ارائه تسهیلات بانکی برای ادامه فعالیت را دارند که متأسفانه تخصیص تسهیلات انجام نمی‌شود. قطعی‌گاز، برخی از صنایع را تعطیل کرده و برخی دیگر ناچار به استفاده از سوخت‌های دیگر شده‌اند. با افزایش میزان رفع تعهد ارزی، مشکلات شرکت‌هایی که صادرات دارند بیشتر از قبل خواهد شد که در نهایت باعث کاهش میزان صادرات می‌شود.

کاهش مواد اولیه برای پنجمین ماه متوالی
گزارش جدید شاخص مدیران خرید نکته‌های متعددی دارد که توجه به آن‌ها برای سیاست‌گذار ضروری به نظر می‌رسد اما آنچه بیش از همه در مورد وضعیت تولید براساس شاخص مدیران خرید، نگران کننده به نظر می‌رسد، انبارهای خالی از مواد اولیه بنگاه‌هاست. تولیدکنندگان در آخرین ماه زمستان برای پنجمین ماه متوالی در تامین مواد اولیه با کمبود روبه‌رو بوده‌اند. ناتوانی بنگاه‌ها در تامین مواد اولیه تولید در اسفندماه نسبت به ماه‌های قبل هم با شدت بیشتری ادامه داشته و موجودی مواد اولیه خریداری شده هیچ‌یک از صنایع به بیش از هفت واحد نرسیده است.

طولانی شدن پروسه تخصیص ارز، از جمله دلایلی است که کمبود مواد اولیه، افت تولید و تعدیل نیرو در بنگاه‌ها را به دنبال داشته است. تعلل صنایع بالادستی از جمله پتروشیمی‌ها در تامین مواد مورد نیاز تولید نیز از دیگر دلایلی است که باعث شده بنگاه‌ها ناچار به فعالیت در حداقل ظرفیت و توان تولیدی باشند. از سوی دیگر ترخیص نشدن مواد اولیه و قطعات از سوی گمرک و مشکلات مربوط به تردد کشتی‌ها، واردات برخی مواد اولیه را هزینه‌بر و زمان‌بر کرده است. در این شرایط، بوروکراسی‌های اداری و پرداخت‌نشدن مطالبات و معوقات از سوی بخش‌های دولتی و نیمه‌دولتی باعث شده بنگاه‌ها نقدینگی لازم را برای تامین مواد اولیه نداشته باشند. صنایع همچنین به‌واسطه افت چشمگیر فروش، کاهش صادرات و رکود تقاضا و در شرایطی که با قیمت‌گذاری دستوری تولیدات و بن‌بست تأمین مالی روبه‌رو هستند، بیش از پیش در تامین نقدینگی و مواد اولیه ناتوان شده‌اند.

همچنین همین آمارها و افزایش قیمت مواد اولیه در بنگاه‌های اقتصادی نشان می‌دهد که حتی بخشی از کاهش صادرات به افزایش قیمت مواد اولیه بازمی‌گردد. زیرا فعالان اقتصادی اذعان دارند که کاهش صادرات به دلیل قیمت تمام‌شده بالای محصولات و قوانین نادرست مربوط به تعهد ارزی کاهش یافته است. (این نکته از خصوص در مورد آن دسته از شرکت‌هایی که مواد اولیه خود را با ارز بازار آزاد تأمین می‌کنند و ارز دولتی نمی‌گیرند، صادق است) همین هم باعث شده است در نهایت توان صادراتی پایین بیاید و در



واقع حتی صادرات- که چندی پیش یکی از فعالان اقتصادی از آن به عنوان راهی برای گسترش بازار فعالان نام برده بود- هم به صرفه نباشد. اینکه بنگاه‌ها در سال گذشته با افت مواد اولیه مواجه بودند و فروش نیز افت محسوس داشت را می‌توانیم در اتفاقات همان سال جست‌وجو کنیم. سال گذشته، بانک مرکزی در راستای مهار تورم به جای اینکه نقدینگی را از قسمت‌های کاذب که خلق پول بی‌دلیل می‌کنند خارج کند سیاست‌های انقباضی را در پیش گرفت. با این کار، عملیات تسهیلات بنگاه‌های تولیدی برابر با همان تسهیلات سال قبل است. سال ۱۴۰۲ با تورم ۴۰ درصدی مواجه بودیم و معنای آن، افزایش ۴۰ درصدی هزینه بنگاه‌های تولیدی است، یعنی بنگاه‌ها باید ۴۰ درصد بیشتر به نقدینگی دسترسی داشته باشند. به همین دلیل هم عملیات بنگاه‌ها امکان کار کردن با ظرفیت کامل را نداشته‌اند. کمبود نقدینگی در واحدهای تولیدی به دلیل اینکه سیاست‌های بانک مرکزی در قبال بخش تولید انقباضی شده رخ داده و بنگاه‌های تولیدی زمین‌گیر شده‌اند. در زمینه صادرات نیز این عامل مؤثر بوده و وقتی نقدینگی کافی برای تهیه مواد اولیه وجود نداشته است، نمی‌توان انتظار تولید کامل را داشت. از سوی دیگر هم نباید نقش ارز دستوری را در این فرآیند نادیده گرفت. قیمت نرخ ارز دستوری است. وقتی صادرکننده با دلار بازار غیررسمی نهاده تولید خریداری کند و بعد از تولید کالا، آن را با نرخ ارز ۴۰ هزار تومانی صادر کند، صرفه اقتصادی در صادرات وجود ندارد. بخش خصوصی نمی‌تواند بابت نرخ ارز رانت بدهد و با دلار بازار غیررسمی تولید کرده و با نرخ ۴۰ هزار تومان صادر کند.

نبودن ثبات و پیش‌بینی ناپذیر بودن متغیرهای اقتصادی و همچنین قوانین و مقررات، ظرفیت خالی و غیرفعال بودن بخش قابل توجهی از کسب و کارها، پایین بودن بهره‌وری، تورم بالا، تبعیت قیمت‌های داخلی از ارزهای خارجی، چندنرخ بودن ارز، سهم قابل توجه تجارت غیررسمی و قاچاق، محدودیت در زیرساخت‌هایی چون برق، گاز، آب، ضعف شدید در تأمین نقدینگی تولید و صادرات، بازدهی بالای بازارهای غیرمولد و هدایت نقدینگی به این بازارها، عدم توازن سرمایه‌گذاری در رشته فعالیت‌ها و مناطق و همچنین سازمان‌دهی نامناسب، تغییرات مدیریتی بسیار زیاد و کمبود مواد اولیه، از جمله مشکلات صنایع ساخت و تولید کشور است که در این سال‌ها با آن دست‌به‌گریبان بوده‌اند و در میان این مشکلات، این طور گزارش‌ها و اظهارات فعالان اقتصادی نشان می‌دهد، ظاهر تأمین مواد اولیه، سخت‌ترین و پردرغدغه‌ترین این چالش‌ها محسوب می‌شود.

این گزاره‌ای است که ارزیابی‌های انجام‌شده از سوی نهادهای مسئولان مختلف نیز آن را کاملاً واضح و مبرهن نشان می‌دهند. کمبود شدید موجودی مواد اولیه خریداری شده از سوی بنگاه‌های تولیدی بخش صنعت را با مشکلات بسیاری روبه‌رو کرده است و فعالان اقتصادی بیم آن را دارند که تداوم آن، ضربه سنگینی بر پیکره تولید کشور وارد خواهد آورد. مواد اولیه همان‌طور که از اسم آن هم پیداست اولین و اصلی‌ترین عامل برای ساخت و تولید کالاهای نهایی و تولیدی است و اینکه چه‌سما مهم‌ترین عامل برای چرخش اقتصاد و ادامه حیات یک صنعت، کارخانه و حتی یک واحد تولیدی در مقیاس کوچک آن وجود مواد اولیه است. ضمن آنکه ضرورت گردش صنایع کشور، برای جبران خلأ درآمدی نفتی، بسیار پررنگ‌تر از گذشته هم شده است.